

میزان اعتبار راویان عامه از دیدگاه علمای شیعه

حمیدرضا بصیری^۱

فرشته دارابی^۲

چکیده

برخی از علمای شیعه در راه قبول روایت و خبری که از رسول خدا ﷺ و یا ائمه طاهرين عليه السلام به آنها می‌رسد، شیعی مذهب بودن راوی آن حدیث را شرط نمی‌دانند، بلکه برای ایشان وثوق به راوی کفایت می‌کند. مؤید این مطلب، تاریخ علمای شیعه است که به این موضوع از نظرگاه‌های مختلفی نگریسته‌اند تا جایی که گاه نظریات متضادی در باره توثیق و عدم توثیق راویان عامه بیان داشته‌اند. این پژوهش در پی آن است که با روش کتابخانه‌ای اسنادی و به شیوه توصیفی - تحلیلی به واکاوی دیدگاه‌های علمای شیعه در باره اعتبار راویان اهل سنت از دوره متقدمین تا زمان معاصر بپردازد. با تأمل در کتب علمای متقدم توثیقات خاص و عامی در باره راویان عامی مذهب به دست می‌آید. در کتب علمای متأخر نیز به تبعیت از علمای متقدم، برای برخی از راویان عامه توثیق‌های عام و خاص بیان شده است و آنها با شواهد و مدارکی به تحلیل مرویاتشان پرداخته، جهت صحت آنها را بیان نموده‌اند. پژوهش حاضر با کنار هم گذاشتن جنبه‌های مختلف مبانی هر دو طیف علمای شیعه به جامعیتی از شواهد دست یافته است. در پایان نیز با بررسی برخی از مهم‌ترین منابع رجالی و روایی شیعی، آماری از تعداد راویان موثق اهل سنت بیان کرده است.

کلیدواژه‌ها: راویان اهل سنت، اعتبار راویان، مبانی رجالیان، توثیق راویان.

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (hr-basiri@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) - (fereshteh_darabi81@yahoo.com).

مقدمه

حدیث صحیح و سنت به عنوان پایه دوم شریعت محسوب می‌گردد. رسول خدا ﷺ، عترت را مرجع علمی برای اهل اسلام قرار داد و علمای عامه و شیعه، یکی از دلایل ضرورت امامت را از بین بردن اختلاف‌های داخلی میان مسلمانان شمرده‌اند.^۳ به همین جهت در خصوص حدیث باید جانب احتیاط را رعایت کرده، و از افراط و تفریط پرهیز نمود. برخی افراد در مورد پذیرش حدیث با ذوق و سلیقه و بی‌پروا برخورد می‌کنند؛ به گونه‌ای که برخی افراد نسبت به حدیث بدبین بوده و بدون تفحص در باره صحت و سقم آن، یک سره حدیث را رد می‌کنند و از طرف دیگر، نباید مانند کسانی برخورد کرد که هر چه را به نام حدیث نوشته شده، بدون سنجش و تمییز دادن صحیح از سقیم، آن را پذیرفته و به پیغمبر ﷺ نسبت می‌دهند. در این صورت، طبق نص قرآن، چنین کسانی باید منتظر بلای بزرگ و عذاب شدید باشند.^۴

مشکل اساسی در این خصوص پس از رحلت پیامبر ﷺ به وجود آمد؛ زیرا پس از رحلت، فتنه‌های بسیاری در میان مسلمانان در فهم پاره‌ای از آیات قرآن، چگونگی اجرای احکام دین و نیز تفسیر سنن منسوب به پیامبر ﷺ پدید آمد و این اختلاف‌ها سبب گردید مذاهب‌های گوناگون فقهی پدید آید و چه بسا، پیروان مذاهب یکدیگر را تکفیر می‌کردند. البته تاریخ پرفراز و نشیب شیعه نشان از این دارد که پیروان این فرقه در تعامل با دیگران بوده‌اند. همچنین، در میان فرق اسلامی، شمار فراوانی از پیروان و مشایخ اهل سنت توفیق مصاحبت و شاگردی ائمه اطهار علیهم‌السلام را داشتند.

نیز تاریخ به روشنی گواه می‌دهد که سیره علمای شیعه در عدم مراجعه به کتاب‌های اهل سنت از روی جمود نبوده، بلکه از روی عدم نیاز اساسی بوده است. با این حال، این سخن که علمای شیعه مرویات اهل تسنن را - که از رسول خدا ﷺ و اهل بیتش علیهم‌السلام نقل کرده‌اند - نادیده گرفته‌اند، درست نیست. علمای شیعه همواره به منابع دیگر مذاهب مراجعه و از آنها استفاده کرده‌اند؛ زیرا به باور اینان، چه بسا پاره‌ای از احادیث نبوی و یا روایت‌های صادر شده از ائمه علیهم‌السلام در گذر زمان از میان رفته باشد و یا روایت‌های درج و ثبت شده در کتاب‌های اهل سنت، به زمینه صدور روایات ائمه کمک کند. از این رو، علمای شیعه در

۳. کشف المراد، ص ۳۶۲.

۴. برای اطلاع بیشتر، رک: سوره آل عمران، آیه ۹۴؛ سوره بقره، آیه ۷۹؛ سوره انعام، آیه ۲۱؛ سوره هود، آیه ۱۸؛ سوره نحل، آیه ۱۷؛ سوره عنکبوت، آیه ۶۸ و ...

احکام فقهی و دریافت سنن پیامبر ﷺ، به منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت رجوع کرده و می‌کنند؛ اما نباید از این نکته غافل شد که برخی از علمای شیعه، راویان اهل سنت را موثق ندانسته و به احادیثشان توجه نمی‌کردند. در ابتدای بحث به بررسی اهمیت راویان اهل سنت پرداخته می‌شود.

۱. اهمیت راویان اهل سنت

راویان اهل سنت، بیش از راویان فرق، دیگر مورد توجه رجالیون و علمای حدیث شناس شیعه قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به راویان این فرقه، احتمالاً به خاطر قدمت طولانی، همراهی و مصاحبت با اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ است. مؤید این مطلب احادیثی از ائمه اطهار ﷺ است که جواز مراجعه به احادیثشان را - که توسط راویان عامه نقل می‌شود - صادر کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، از امام صادق ﷺ روایت شده است که هرگاه حادثه‌ای برای شما اتفاق افتاد که حکم آن را از روایات ما نیافتید، به آنچه عامه مردم (یعنی اهل سنت) از امام علی ﷺ نقل می‌کنند، مراجعه کرده و برپایه آنها عمل کنید.^۵ شیخ حر عاملی این حدیث را پذیرفته و عمل به روایات اهل سنت از امام علی ﷺ را در صورتی که نصی از شیعه موجود نباشد، جایز دانسته است.^۶

در منابع حدیثی شیعه گونه‌ای دیگر از روایت را می‌توان یافت که در آنها راوی از امام ﷺ در باره حدیث مروی از طریق اهل سنت پرسش می‌کند. امام نیز بر صحت آن تصریح کرده و آن را شرح و تفسیر نمودند.^۷

یکی دیگر دلایل اهمیت منابع روایی اهل سنت، دست‌یابی به احادیث ائمه اهل بیت ﷺ است که محدثان عامه در آثار خود گرد آورده‌اند. از آنجا که عالمان اهل سنت، ائمه شیعه را از امام علی ﷺ تا امام رضا ﷺ جزء صحابه، تابعان و اتباع تابعان به شمار می‌آورند، از این رو، احادیثی به نقل از ایشان در منابع خود ذکر کرده‌اند.^۸ حضور محدثان بزرگ اهل سنت همچون ائمه چهارگانه آنها در مجالس درس ائمه ﷺ، به ویژه صادقین ﷺ و اعترافشان به مقام علمی امامان شیعه، دلیل محکمی بر جلالت شأن و رفعت مرتبت ایشان است. ابوحنیفه در باره امام صادق ﷺ بر این باور است که چنان که آن حضرت نبود،

۵. العده، ج ۱، ص ۱۴۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۹۱.

۶. الفصول المهمة فی اصول الأئمه، ج ۱، ص ۵۷۴.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۶۳؛ الکافی، ج ۵، ص ۵۵۶.

۸. تقریب التهذیب، ج ۱۴، ص ۱۵، ش ۳۴۴.

مردم هرگز مناسک حج خویش را فراموش نمی‌گرفتند.^۹

بنا بر این، کم نیستند راویان اهل سنت که ریزه‌خوار سفره اهل بیت علیهم‌السلام بوده و بسیاری از علوم را از ایشان دریافت نموده و در مجالس درسی ایشان حضور داشتند. به همین جهت، با در نظر گرفتن شروطی برای پذیرش روایت راویان مسلماً می‌توان از ایشان به عنوان حلقه واسط انتقال معارف ائمه علیهم‌السلام یاد کرد؛ زیرا در پذیرش روایت شروط راوی آن اهمیت بسزایی دارد که در وهله نخست مورد توجه و دقت محققین قرار می‌گیرد. در این قسمت به شروط راوی به صورت مختصر اشاره می‌گردد.

۲. شروط راوی

مهم‌ترین مبنا - که در دوره متأخرین طبق آن، خبر پذیرفته می‌گردد - کیفیت سند به لحاظ ویژگی راویان آن است. از این رو، بحث شروط راوی به عنوان یکی از محوری‌ترین مباحث، نزد حدیث‌پژوهان و فقها جایگاه ویژه‌ای دارد. مراد از شروط راوی، صفات و خصوصیات است که راویان یک حدیث، در مرحله ادای آن باید بدان متصف باشند تا روایت آنها در شمار روایات مقبول قرار گیرد. از این رو، شیعه و سنی برای توثیق و تعدیل راویان، شروطی را بر شمرده‌اند که در صورت احراز و اثبات آن در هر یک از راویان، چنین روایتی مورد قبول واقع خواهد شد. در یک نگاه کلی این شروط را می‌توان در سه حوزه قرار داد:

۱. مقدماتی: عقل و بلوغ، ۲. اعتقادی: اسلام، ایمان (به معنای مذهب)، ۳. شخصیتی: وثاقت، عدالت، فراموش کار نبودن، ضابط بودن و میزان دقت در عدم نقل از ضعف و مطرودین (تقوای علمی) و ...

طبیعی است که این شروط در هر یک از این حوزه‌ها با یکدیگر مرتبط بوده و مستقل از یکدیگر نیستند. البته برخی از آنها برای راویان غیر امامی، به ویژه راویان اهل سنت اهمیت شایانی دارند. برخی با جرح و نپذیرفتن روایت از این راویان ارتباط مستقیم دارند؛ خاصه شروطی که مربوط به حوزه اعتقادات راوی هستند.^{۱۰} اما گروهی از علمای حدیث‌شناس راویان غیر شیعه اثنا عشری را نه تنها از نظر اعتقادی، بلکه به طور کلی از دایره وثاقت و عدالت خارج می‌دانند؛ زیرا از منظر این گروه، مفهوم ایمان در بردارنده عدالت و وثاقت است. به این ترتیب، زمانی که راوی ایمان نداشته باشد، عدالت و وثاقت نیز ندارد. به

۹. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹؛ معجم الرجال، ج ۲۰، ص ۱۷۹.

۱۰. «جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجال شیعه»، ص ۱۲۳.

همین سبب، این راویان را طرد، و روایات آنها را مقبول نمی‌دانند.^{۱۱} برای روشن شدن بحث به نقد و بررسی این شروط پرداخته می‌شود:

۲-۱. عدالت

برخی معتقدند در صورتی که این واژه در منابع رجال شیعه به کار رفته باشد، به صورت دلالت تضمینی، یا التزامی دلالت بر امامی بودن، یا ضابط بودن راوی نیز خواهد داشت؛ زیرا عدالت مطلق فرع اسلام و ایمان است و بر کافرو پیروان سایر فرق اسلامی به صورت مطلق عادل گفته نمی‌شود. از سوی دیگر، در میان رجالیان شیعه کمتر مرسوم است که به امامی بودن، یا ضابط بودن راوی تصریح کنند. بنا بر این، وقتی می‌گویند: عدل، مقصود آنان امامی و ضابط بودن در کنار عدالت است.^{۱۲}

این گروه بر این عقیده‌اند که با وجود شرط «عدل» دیگر نیازی به بیان شرط مذهب یا ایمان نیست؛ چرا که یکی از مصادیق عدالت، تشخیص و انتخاب مذهب درست و راستین است؛ زیرا عدالت با فساد عقیده قابل جمع نیست و چنین کسی فاسق به شمار خواهد آمد.^{۱۳} بر طبق این دیدگاه، راویان اهل سنت عادل نیستند و زمانی که راوی عادل نباشد، حدیثش مردود است. به همین جهت ابتدا باید به تعریفی از این شرط و سپس به بررسی آن پرداخته شود.

عدالت، به معنای پیروی از اوامر خدای تعالی و پرهیز کردن از امور نهی شده است. از این رو، باید گفت عادل کسی است که به انجام دادن واجبات و پرهیز کردن از محرمات شناخته شده است. برخی از فقیهان امامیه نیز به همین نظریه معتقدند. ابن ادریس حلی، کسی را عادل می‌داند که واجبی را ترک نکند و امر قبیحی را مرتکب نشود.^{۱۴} همچنین حقیقت عدالت را کیفیت استوار و محکم نفسانی دانسته‌اند که شخص عادل را بر ملازمت تقوا و مروّت برمی‌انگیزاند که با پرهیز از گناهان کبیره و اصرار نداشتن بر گناهان صغیره تحقق می‌یابد.^{۱۵}

به نظر می‌رسد سخن استوار در بحث عدالت رجالی همان است که شهید

۱۱. الرواشح السماویة، ص ۱۸۵؛ منتقى الجمال، ج ۱، ص ۵.

۱۲. مقباس الهدایه، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۵.

۱۳. منتقى الجمال، ج ۱، ص ۵.

۱۴. السرائر، ج ۱، ص ۲۸۰.

۱۵. مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۴، ص ۱۴۹؛ ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۹۹.

ثانی،^{۱۶} شیخ بهایی،^{۱۷} محدث کاشانی،^{۱۸} محقق نراقی^{۱۹} و شیخ علی خاقانی^{۲۰} ذکر کرده‌اند و وجود مفهوم امامی در معنا و مدلول عدالت را شرط نمی‌دانند. شهید ثانی بر این باور است که عدالت در تمام معتقدان ادیان و مذاهب به شرط عمل بر اساس باورهایشان قابل تحقق است.^{۲۱} این سخن، آشکارا به عدم وجود مفهوم «امامی» در معنا و مفهوم اصطلاح «عدالت» تصریح دارد.

یکی از عالمان معاصر، نه تنها ایمان به معنای امامی مذهب بودن راوی و تفسیر عدالت در معنای مصطلح آن را نپذیرفته، بلکه با اشتراط وجود این دو (یعنی ایمان و عدالت) در راوی مخالفت کرده است. وی در این باره می‌نویسد:

و اما در مورد شرط چهارم و پنجم [یعنی ایمان و عدالت] باید گفت که سخن صحیح آن است که آن دو را حذف کرده، و جایگزین آن وجود وثاقت، یعنی صداقت در گفتار، را بر اساس مبنای حجیت خبر فرد ثقه مشروط بدانیم.^{۲۲}

در کتب رجالی توجه به مذهب راوی در کنار اشاره به عدالت وی در تعریف حدیث صحیح و نیز تذکره فساد مذهب راوی عادل در تعریف حدیث موثق، شاهد محکمی بر این مسأله است. با توجه به این که در واژه‌های «عدل»، «امامی ضابط»، با آمدن واژه ضابط حوزه شخصیت راوی، یعنی برخورداری از قوه حفظ، ثبت و ضبط روایات، و با آمدن واژه عدل بر حوزه اخلاق راوی و پایبندی او به فرایض دینی و با آمدن واژه امامی به حوزه ایمان و عقیده راوی و شیعه اثناعشری بودن او تصریح شده، چنین عبارتی را بهترین و صریح‌ترین لفظ برای دلالت بر تزکیه و تعدیل راویان دانسته‌اند.^{۲۳}

آیه الله خویی ذیل عنوان محمد بن ولید بجلی و معاویه بن حکیم با استناد به این سخن کشی می‌نویسد که ظاهر کلام کشی، آن است که مقصود وی از عدالت، استقامت در عمل

۱۶. الرعاية في علم الدراية، ج ۱۴، ص ۱۶۰.

۱۷. زبدة الأصول، ص ۹۳.

۱۸. مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۱۹. همان، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۲۰. رجال الخاقانی، ص ۵۲.

۲۱. الرعاية في علم الدراية، ج ۲، ص ۴۰۱.

۲۲. بحوث في علم الرجال، ص ۲۰۲.

۲۳. اصول الحديث واحكام، ص ۱۵۵.

با دوری جستن از محرمات و مراقبت برواجبات دینی است که این معنا با فساد عقیده فرد منافاتی ندارد.^{۲۴}

براین اساس، عدالت یک خصلت شخصیتی است و مختص به مذهب و فرقه خاصی نیست. پس هر راوی اهل سنتی که در مذهب خود به عنوان فردی عادل شناخته شود، با توجه به ادله‌ای که بیان گردید، می‌توان به او اعتماد نمود؛ چرا که صرف عامی مذهب بودن راوی، دلیل بر بی‌عدالتی او نمی‌گردد.

۲-۲. وثاقت

ریشه این واژه از وثوق به معنای اطمینان است و مقصود از آن، کسی است که نسبت به دوری او از دروغ، اشتباه و فراموشی، اطمینان وجود دارد؛ زیرا اگر قرار باشد شخص، عادت به دروغ، اشتباه یا فراموشی داشته باشد، چگونه می‌توان به گفتار او اطمینان داشت؟ نسبت به سایر گناهان غیر از دروغ نیز چنین است؛ زیرا انسان به سخن فردی شرابخوار اطمینان نمی‌کند.^{۲۵} بنا براین، هرگاه این کلمه به طور مطلق در منابع رجالی به کار رود، در دلالت آن در عدالت و ضابط بودن راویان جای اشکال نیست، اما در دلالت آن بر امامیه بودن راوی جای مناقشه است. صاحب معالم در این باره می‌گوید:

هرگاه نجاشی بگوید: (فلان) ثقة است و از فساد مذهب راوی سخنی به میان نیاورد، ظاهراً این سخن آن است که راوی عادل و امامی است؛ زیرا عادت نجاشی آن است که اگر راوی دارای فساد مذهب به آن تصریح می‌کند. پس اگر تصریح نکند، ظهور در آن دارد که او به فساد عقیده‌اش دست نیافته است.^{۲۶}

دلالت لفظ «ثقة فی الحدیث»، أو فی الروایه» نیز بسان دلالت واژه ثقة است؛ یعنی بر عدالت و ضابط بودن راوی به صورت آشکار دلالت دارد، اما در دلالت آن بر امامی بودن جای تأمل است؛^{۲۷} همان گونه که آیه الله سبحانه معتقدند:

واژه «ثقة» امامی بودن راوی را اثبات نمی‌کند؛ زیرا شیخ مفید و شیخ طوسی همه یاران امام صادق علیه السلام را با وجود اختلاف عقیده جزء ثقات دانسته‌اند.^{۲۸}

۲۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۳۲۹.

۲۵. مقیاس الهدایه، ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۲۶. اصول الحدیث و احکامه، ص ۱۵۶؛ مقیاس الهدایه، ص ۱۰۸.

۲۷. مقیاس الهدایه، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲۸. اصول الحدیث و احکامه، ص ۱۵۷.

همچنین گروهی از علما نیز سکونی را فردی عامی مذهب و ثقہ معرفی نموده‌اند.^{۲۹} بنا براین، می‌توان گفت که تنها دست‌یابی به وثاقت راویان در منابع رجالی، برای صحیح دانستن روایت کفایت می‌کند، مگر در جایی که تعارض در بین باشد که برای ترجیح سندی از سایر صفات راوی کمک گرفته می‌شود. وثاقت، به معنای برخورداری از صفت راست‌گویی است؛ یعنی شخص با آن که فاقد سایر ارزش‌های اخلاقی، مثل عفت، پاکی کسب و کار است، با این حال انسان راست‌گو و صادقی است و کذب و دروغ در گفتار او راه ندارد. بر این اساس، اعتقاد به مذهب غیر امامی، به ویژه عامی مذهب، خدشه‌ای بر وثاقت جنبه روایت‌گری وارد نمی‌سازد؛ زیرا حوزه این دو از هم مجزا است.

۳-۲. ایمان

ایمان از ریشه «امن» در باب افعال، در لغت به معنای تصدیق آمده است. قبول و اذعان به قلب را تصدیق گویند.^{۳۰} هر چند معانی متعددی برای اصطلاح ایمان ذکر شده است،^{۳۱} اما در عرف حدیث شناسان، مقصود از ایمان، آن است که راوی خبر، امامی اثنی عشری باشد. در مورد راویانی که در عصر ائمه علیهم‌السلام می‌زیسته‌اند، جلوه آن، اعتراف به امامت آن امام بوده و برای کسانی که بعد از عهد ائمه علیهم‌السلام آمده‌اند، اثنی عشری بودن راوی ملاک است.^{۳۲} گروهی از علمای شیعه مخالف پذیرش خبر راویان غیر امامی (اهل سنت) هستند. این دیدگاه، بیش از پیش در عصر متأخرین شکل و قوت گرفته است. پس از علامه حلی، فخر الدین حلی (م ۷۷۰ ق) روایات موثق را معتبر ندانسته است.^{۳۳}

توجه به باورهای عقیدتی راویان سلسله سند در نگاه محدثان و رجال شناسان، اهمیت فراوان دارد؛ چندان که فساد عقیده را از جمله ضعف‌های راوی دانسته‌اند که موجب ضعف سلسله سند حدیث می‌گردد.^{۳۴} معمولاً عالمان شیعی، فساد عقیده راوی حدیث را بیش از همه در بخش شرایط راوی و ضعف‌هایی که بر روایات احادیث به واسطه فقدان برخی

۲۹. الرسائل التسع، ص ۶۴ و ۶۵؛ المعتبیر، ج ۱، ص ۲۵۲؛ ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۴۰۳؛ الکافی، ج ۷، ص ۴۱؛ منتهی المقال، ج ۱، ص ۴۴.

۳۰. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱؛ تاج العروس، ج ۱۸، ص ۲۴.

۳۱. ر.ک: حقائق الإیمان، ص ۵۳ - ۵۵؛ شرح أصول الکافی، ج ۸، ص ۴۶؛ أقطاب الدوائر فی تفسیر آیه التطهیر، ص ۳۸ - ۴۰.

۳۲. دراسات فی علم الدراییه، ص ۹۷؛ أصول الحدیث وأحكامه فی علم الدراییه، ص ۶۱.

۳۳. ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، ج ۳، ص ۲۹۱ و ۵۰۰؛ ج ۴، ص ۴۰۰.

۳۴. مقباس الهدایه فی علم الدراییه، ج ۲، ص ۳۱۶.

از این شروط واقع می‌گردد، مورد بررسی قرار داده‌اند. از این شرط به عنوان ایمان در بین حدیث پژوهان یاد شده است.

میرداماد معتقد است که حقیقت ایمان و صحت در عقیده، مناط اجرای اصالت صحت در گفتار و کردار است و از سوی دیگر، فسق، موجب تثبیت در خبر می‌گردد، و بزرگ‌ترین فسق، عدم ایمان است. از این رو، وی خبر حسن را مقدم بر خبر مؤثق می‌داند.^{۳۵} محقق بحرانی نیز آورده است که بر اساس احادیث منقول، ایمان جز برای امامی اثنی عشری قابل تصور نیست.^{۳۶} این گروه بر این اعتقادند که شخص غیر مؤمن، فاسق است و هیچ فسقی بالاتراز عدم ایمان نیست.^{۳۷} از این رو، با توجه به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»^{۳۸} خبر راوی غیر مؤمن مردود است.^{۳۹} مقتضای اعتبار ایمان در راوی چنان است که خبر راوی غیر امامی، خواه از فرق شیعه باشد و خواه از اهل سنت، قابل اعتماد و پذیرش نخواهد بود.^{۴۰} درخور ذکر است که از فساد مذهب راوی به عنوان یکی از اسباب ذم وی یاد شده است.^{۴۱}

آنچه از ظاهراین شرط برمی‌آید، این است که اگر راوی به لحاظ مذهب، اثنا عشری نباشد، بلکه از اهل عامه و یا در شمار راویانی از فرق مختلف باشد، روایت او متصف به صحت نبوده و در نتیجه مقبول نخواهد بود؛ در صورتی که پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با وجود حساسیت دانشمندان شیعه به مذهب راوی، در عین حال تعداد بسیار کمی از روایات شیعه فقط به دلیل انحراف مذهبی راوی، تضعیف شده و یا کنار گذاشته شده‌اند؛ به عنوان مثال، مرحوم غفاری در حاشیه ثواب الاعمال در جمع‌بندی و تحلیل نظریات شیخ صدوق، زمانی که برای تحریف در یک حدیثی از رسول خدا ﷺ دلیل می‌آورد، چنین می‌نویسد:

با عنایت به این که در سلسله راویان این حدیث، چند تن از راویان اهل سنت قرار دارند که حتی در نزد فرزندان اهل تسنن، مجهول و یا روایت آنان، ضعیف بر

۳۵. الرواشرح السماویة، ص ۱۸۵.

۳۶. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۲۲، ص ۲۲۰-۲۲۲.

۳۷. مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳۸. سوره نباء، آیه ۶: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید».

۳۹. معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۲۰۰؛ مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۴۰. قوانین الأصول، ص ۴۵۷؛ مقباس الهدایة فی علم الدرایة، ج ۲، ص ۲۶.

۴۱. مقباس الهدایة فی علم الدرایة، ج ۲، ص ۳۱۶؛ توضیح المقال فی علم الرجال، ص ۲۱۴.

شمرده شده است.^{۴۲}

از این مطلب چنین استنباط می‌گردد که تنها عامی بودن دلیل بر تضعیف روایان نمی‌شود، بلکه دلایل دیگری در کنار فساد مذهب موجب تضعیفشان می‌گردد. از طرف دیگر، ادله و شواهد نیز وجود دارد که موجب توثیق روایان اهل سنت می‌گردند. در یک نگاه کلی می‌توان چنین استنباط نمود: عدالت یعنی انجام واجبات و پرهیز از محرمات و وثاقت نیز به معنای اخص آن همان راست‌گویی است. بر این اساس، این دو شرط منافاتی با پذیرش مرویات عامه ندارد و تا حدودی می‌توان این دو شرط را خصلت درونی و شخصی راوی به حساب آورد. در مورد شرط ایمان نیز اگرچه شرط شیعی بودن راوی در تقسیم‌بندی حدیث صحیح اعتبار دارد، ولی این شرط مانع از پذیرش حدیث موثق اهل سنت نمی‌گردد؛ همان‌گونه که تاریخ حدیث از زمان متقدمان تا کنون گویای این مطلب است. با وجود این که از بعضی علمای شیعی در پذیرش مرویات عامه مخالفت‌هایی کرده‌اند، اما این مخالفت‌ها باعث حذف و رد کامل منقولات عامه در کتب روایی شیعه نشده است.

۳. ادله توثیق روایان اهل سنت

ادله علمای موافق نقل روایت از روایان غیر امامی به ویژه روایان اهل سنت دارای دو مبنای کلی است که ناظر بر نوع عملکرد علمای متقدم و متأخر است. اینان برای پذیرش این روایان به شواهد و قراینی استناد می‌کنند که در این قسمت از پژوهش به ذکر آنها پرداخته می‌شود:

۳-۱. عملکرد متقدمان

یکی از راه‌های اعتماد به روایان اهل سنت، مبنا قرار دادن عملکرد قداما است. از نظر ایشان، مخالفت مذهب نمی‌تواند دلیل مطلق در عدم اعتماد به راوی باشد. شایان ذکر است این نوع بینش بیشتر در بین متقدمین حدیث حاکم است؛ زیرا مبانی حدیث پژوهی قداما و ملاک‌های ایشان در ارزیابی صحت روایات،^{۴۳} وثوق و اطمینان به راست‌گویی راوی است، خواه امامی یا غیر امامی باشد؛ چنان که بزرگانی چون محقق بحرانی بیان داشته‌اند.

۴۲. ثواب الأعمال، ص ۱۶۵.

۴۳. در باره این ملاک‌ها ر.ک: «ملاک‌های قداما در ارزیابی و نقد حدیث در آئینه فهرست‌های رجال»، ص ۱۳۹-۱۵۳.

می‌توان گفت که بیشتر حدیث پژوهان متقدم در موارد بسیاری به احادیث اهل سنت عمل کرده‌اند.^{۴۴} شهید ثانی آشکارا این دیدگاه را مطرح کرده که در مکتب قدما خبر موثق در زمره احادیث صحیح قرار می‌گرفته است.^{۴۵}

در عملکرد قدما، ضعف و فساد مذهب چندان در ارزیابی راوی و بالطبع پذیرش حدیث او دخالت ندارد. شاهد این سخن، تفکیک ضعف مذهب روات از وثاقت ایشان، و نیز معتبر دانستن آثار برخی راویان با وجود ضعف اعتقادی ایشان است.^{۴۶} مؤید این مطلب نمونه توثیق‌هایی است که در کتب متقدمین موجود است. در پژوهش حاضر این توثیق‌ها به دو صورت توثیقات خاص و عام بیان می‌گردند.

۳-۱-۱. توثیقات خاص

منظور از توثیق خاص این است که در مورد یک شخص معین شواهدی داشته باشیم که بر مورد اطمینان بودنش در امر حدیث و روایت دلالت داشته باشد.^{۴۷} در این قسمت به برخی از توثیقات خاص در مورد راویان اهل سنت در کتاب‌های رجال متقدمان شیعه آمده است بیان می‌گردد:

۳-۱-۱-۱. ثقه

شیخ نجاشی برخی از راویانی عامه مذهب را با اصطلاح «ثقه» معرفی نموده‌اند؛ همچون: أصرم بن حوشب البجلی،^{۴۸} فضیل بن عیاض،^{۴۹} یحیی بن سعید القطان^{۵۰} و ...

۳-۱-۱-۲. شیخ محدثان

لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سالم از دی غامدی، معروف به ابومخنف، شیخ محدثان و راویان اخبار در کوفه بود. ابومخنف از چهره‌های اهل فضل و حدیث به شمار می‌رفت و روایت‌های او مورد اعتماد بود و هنگامی که سند به او می‌رسید، همه سکوت می‌کردند. از امام باقر^{علیه السلام} نیز نقل روایت کرده است.^{۵۱}

۴۴. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۲۲، ص ۶۰۴.

۴۵. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، ص ۷۵۷.

۴۶. «ملاک‌های قدما در ارزیابی و نقد حدیث در آئینه فهرست‌های رجالی»، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۴۷. کلیاتی در علم رجال، ص ۱۵۱.

۴۸. رجال النجاشی، ص ۱۰۸.

۴۹. همان، ص ۳۱۱.

۵۰. همان، ص ۴۴.

۵۱. همان، ص ۳۲۰.

۳- ۱- ۱- ۳. صاحب کتاب

طلحة بن زید أبو الخزرج النهدي الشامي، یکی از راویان امام جعفر صادق علیه السلام است. شیخ طوسی در باره ایشان آورده است:

او عامی مذهب و صاحب کتاب است و کتابش نیز مورد اعتماد است.^{۵۲}

همچنین عبد الواحد بن عمر بن محمد کنیه اش ابا طاهر قاری است. وی نیز عامی مذهب است و کتابی در باره قراءت أمير المؤمنين علیه السلام نوشته و شیخ طوسی کتاب او را مورد اعتماد دانسته‌اند.^{۵۳}

البته باید توجه داشت توثیقاتی مانند شیخ محدثان و صاحب کتاب زمانی در باره راویان اهل سنت کاربرد دارد که شخصیت روایی ایشان از طرف علمای اهل حدیث شیعه توثیق شده باشد و کتب ایشان نیز مورد اعتماد باشد؛ همان گونه که علمای متقدم، همچون شیخ طوسی بر این کتب صحه گذاشته‌اند.

۳- ۱- ۲. توثیقات عام

بر خلاف مورد قبل که توثیق در مورد عنوانی خاص و مشخص بود، در اینجا توثیق، به عنوانی کلی تعلق گرفته است. باید توجه کرد که عنوان کلی به حسب ماهیت و طبیعت خود، بر افراد و مصادیق زیادی انطباق پذیر است و ممکن است مصادیق گوناگون داشته باشد. در این قسمت به عنوان نمونه به سکونی و دیگر راویان اهل سنت - که از این طریق به وثاقتشان تصریح شده - اشاره می‌گردد:

۳- ۱- ۲- ۱. اجماع متقدمین

محقق حلی می‌نویسد که شیخ طوسی در موارد متعددی از آثار خود به اتفاق نظر امامیه بر عمل به مرویات سکونی و عمار ساباطی و دیگر ثقات اشاره دارد^{۵۴} و با وجود شهرت در صداقت و راست‌گویی این راویان، عامی مذهب بودن موجب قدح روایاتشان نمی‌گردد. محقق حلی در ادامه اشاره دارد که آثار فقهی عالمان شیعه متقدم مملو از فتاوی مستند به روایات این قبیل راویان است و استناد به این مرویات باید طبق همان اجماع امامیه بوده باشد.^{۵۵}

۵۲. فهرست الطوسی، ص ۲۵۷.

۵۳. همان، ص ۳۴۹.

۵۴. العدة فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۵۵. الرسائل التسع، ص ۶۵-۶۴.

۳- ۱- ۲- ۲- ۲. راویان اسناد کتاب ابن قولویه

آیه الله خویی رحمته الله، سکونی را به سبب وقوع در طریق ابن قولویه توثیق می کند. ایشان به توثیق عام «شیخ اجازه بودن» راویان واقع در سلسله طریق ابن قولویه در کامل الزیارات معتقد است.^{۵۶}

۳- ۱- ۲- ۳. راویان اصحاب اجماع

روایت راویان بزرگی از جمله برخی از اصحاب اجماع، همچون عبدالله بن مغیره، فضالة بن ایوب، عبدالله بن بکیر و جمیل بن دراج از سکونی دلیل بروثاقت او است. این چهارتن از راویان اصحاب اجماع بوده و روایت ایشان از یک راوی، اماره ای بر وثاقت او است.^{۵۷}

۳- ۱- ۲- ۴. کارگزاران

مخنف بن سلیم جزو اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و در عهد حکومت علی علیه السلام عامل آن حضرت در اصفهان و همدان گردید.^{۵۸}

۳- ۱- ۲- ۵. شاگردان اهل بیت

چند تن از شاگردان و راویان مستقیم اهل بیت علیهم السلام نیز از اهل سنت هستند: مقاتل بن سلیمان خراسانی بلخی^{۵۹} از شاگردان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بودند. افرادی همچون ابراهیم بن ادهم،^{۶۰} سلم بن سالم بلخی،^{۶۱} عمر بن هارون بلخی^{۶۲} و شقیق بن بن ابراهیم بلخی^{۶۳} نیز از راویان امام کاظم علیه السلام هستند.

۳- ۱- ۲- ۶. توثیق شیخ نجاشی

شیخ نجاشی - که به حق می توان وی را بزرگ و سرآمد علم رجال دانست و زمانی که ایشان یک راوی را توثیق می کنند، باید به این توثیقات اعتماد کرد - راویان سنت مذهبی

۵۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۰.

۵۷. خاتمة المستدرک، ج ۴، ص ۱۶.

۵۸. وقعة صفین، ص ۱۱.

۵۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۸.

۶۰. الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

۶۱. رجال الطوسی، ص ۲۱۹، ش ۲۹۰۱.

۶۲. همان، ص ۲۵۴، ش ۳۵۷۶؛ تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۱۸۷-۱۹۰، ش ۵۸۹۹.

۶۳. دلائل الامامة، ص ۳۱۷-۳۱۸.

همچون حسین بن علوان کلبی،^{۶۴} أصرم بن حوشب بجلي،^{۶۵} سلیمان بن داود منقري،^{۶۶} عبد الرحمن بن بدر أبو ادريس،^{۶۷} فضيل بن عياض^{۶۸} و... را ثقه و قابل اعتماد معرفی نموده است.

۳-۱-۲-۷. راویان پرحديث

أبو عبد الله محمد بن علی بن خلف عطار کوفي بلخی یکی از راویان پرحديث است. وی مورد اعتماد برخی از محدثان متقدم شیعه و سنی بوده است.^{۶۹} در بین شیعیان، حمیری قمی (م ۳۰۰ ق)^{۷۰} شاگرد وی بوده است. صدوق نیز بارها با دو واسطه یا بیشتر^{۷۱} از او روایت کرده است. در میان اهل سنت نیز طبرانی با یک واسطه از او روایت کرده است.^{۷۲} محتوای روایات او بیان گر فضایل اهل بیت علیهم السلام است؛ به عنوان نمونه در روایات او فضایل بسیار مهمی برای حضرت زهرا علیها السلام،^{۷۳} امام علی علیه السلام،^{۷۴} ضرورت عصمت امامان^{۷۵} و... دیده می شود.

البته شایان ذکر است تنها وجود برخی از توثیقات عام به تنهایی مفید وثاقت یک راوی نیست، اما هر کدام از این توثیقات عام یک قرینه و شاهد است که با کنار هم گذاشتن تعدادی از آنها به وثاقت راوی اطمینان حاصل می شود. این معیار از آن جهت که موجب اطمینان شخصی محقق است، از استواری بیشتری برخوردار است تا جایی که شهید صدر بهترین راه را در پژوهش های رجالی را همین تجمیع قراین می داند.^{۷۶}

۳-۲. عملکرد متأخرین

در بین متأخرین افراد موثق عامه مورد توثیق قرار گرفته و حدیثشان مقبول واقع شده است؛

۶۴. رجال النجاشی، ص ۵۲.

۶۵. همان، ص ۱۰۷.

۶۶. همان، ص ۱۸۴.

۶۷. همان، ص ۲۳۸.

۶۸. همان، ص ۳۱۰.

۶۹. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۷۰. قرب الاسناد، ص ۱۶۲، ح ۵۸۹ و ۵۹۱.

۷۱. معانی الاخبار، ص ۱۲۵؛ ص ۱۳۲، ح ۲: التوحید، ص ۱۸۴.

۷۲. المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۲۶۳.

۷۳. الامالی (شیخ صدوق)، ص ۳۰۵، ح ۳۴۸.

۷۴. التوحید، ص ۱۸۴.

۷۵. معانی الاخبار، ص ۱۳۲.

۷۶. نهاية الدراية، ص ۴۱۰-۴۱۱.

همان گونه که علامه حلی در کتاب *الخلاصة* و قمی در جزء اول *قوانین الاصول* تصریح می‌کنند که:

احادیث افراد موثق عامه، مورد قبول است؛ زیرا که ثابت شدن روایت از تحقیق حال روایت کننده در خبرش به دست می‌آید و آن گاه که حال و چگونگی راوی ثابت گشت و معلوم شد که در نقل اخبار دروغ نمی‌گوید، مسلماً این روایت ثابت شده است.^{۷۷}

زمانی که کتب متأخرین را در این زمینه بررسی می‌کنیم، کم نیستند راویانی از اهل سنت که توثیق شده‌اند تا جایی که در مورد برخی از راویان اهل سنت «ثقة فی روایه» آورده شده که اطمینان و اعتماد به روایت‌گری ایشان حاصل گردد؛ به عنوان نمونه در مورد حسین بن احمد بن المغیره در کتاب *رجال ابن داوود* آمده است:

مضطرب المذهب ثقة فی روایته.^{۷۸}

راویان عامه مذهب دیگری نیز در کتب رجالی متأخرین از این طریق توثیق شده‌اند که عبارت‌اند از: عمار ساباطی،^{۷۹} ابوالصلت،^{۸۰} یحیی بن سعید قطان،^{۸۱} یعقوب بن شبیه،^{۸۲} موسی بن عمیر،^{۸۳} فضیل بن عیاض،^{۸۴} عبد الواحد بن عمر بن محمد،^{۸۵} اصرم بن حوشب بجلی،^{۸۶} احمد بن داود بن سعید الفزاری،^{۸۷} إسحاق بن بشیر أبو حذیفة^{۸۸} و ...

۳-۲-۱. نقد متن

یکی دیگر از راه‌های اظهار نظر در مورد راویان احادیث که توسط علمای متأخر به کار گرفته شده، نقد متنی است. نقد و ارزش‌گذاری از طریق متن، روشی مناسب جهت

۷۷. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۷۵؛ قوانین الاصول، ص ۴۵۸.

۷۸. رجال ابن داوود، ص ۳۸۵.

۷۹. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۷۶.

۸۰. همان، ص ۲۶۸.

۸۱. همان، ص ۲۶۶؛ رجال ابن داوود، ص ۳۸۶.

۸۲. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۶۷.

۸۳. همان، ص ۲۵۹.

۸۴. همان، ص ۲۴؛ رجال ابن داوود، ص ۴۴۹.

۸۵. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۴۵.

۸۶. همان، ص ۲۰۸.

۸۷. همان، ص ۱۷؛ رجال ابن داوود، ص ۲۷.

۸۸. همان، ص ۴۲۶.

ارزشیابی راویان از جمله راویان اهل سنت است؛ چرا که نقل حدیث، این احتمال را به وجود می‌آورد که راوی خود متمایل به آن بوده است. به همین علت در پذیرش حدیث از راویان اهل سنت به تحلیل و بررسی شواهد متن حدیث نیز دقت شده است؛ همان گونه که در شرح حال برخی از راویان و کتاب‌های حدیث‌شان گزارش شده، نتیجه نقد متنی است. براین اساس، عالمان شیعی در پذیرش روایت از اهل سنت به نقد و تحلیل متنی تأکید داشته‌اند. برای روشن شدن بحث به چند مورد از نظریات علمای متأخر در این باره اشاره می‌گردد:

۳- ۲- ۱- ۱. متضمن قول پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت

در کتاب تنقیح المقال آمده است:

خبر صریح از امام رسیده که باید روایت ما را از کسی که با ما مخالف است، بپذیریم؛ اما هر جا از خود، رأی و نظر می‌دهد، ترک گوییم. بنا براین، بر ما لازم است که به خبر چنین شخص موثقی که در اصطلاح علما به او ثقه غیرامامی گفته می‌شود، عمل کنیم.^{۸۹}

علامه طباطبایی نیز در باره حدیث صحابه می‌فرماید:

اما احادیثی که از صحابه نقل می‌شود، اگر متضمن قول یا فعل پیغمبر اکرم ﷺ باشد و مخالف با حدیث اهل بیت علیهم السلام نباشد، قابل قبول است و اگر متضمن نظر و رأی خود صحابی باشد، دارای حجیت نیست و حکم صحابه مانند حکم سایر افراد مسلمانان است و خود صحابه نیز با یک نفر صحابی، معامله یک نفر مسلمان می‌کردند.^{۹۰}

۳- ۲- ۱- ۲. موافقت با روایت صحیح و مشهور

امام خمینی رحمته الله موثق بودن آن دسته از راویان عامه را که توثیق خاصی ندارند، با مقایسه موارد روایات و سنجش نظریات نسبت به آنان ترجیح داده‌اند.^{۹۱} در این باره آمده است:

عالمان شیعی به روایات حفص بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن دراج، سکونی و دیگر راویان عامی مذهب از امامان شیعه چنانچه انکار نشده، و

۸۹. فوائد الرجالية من تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۲۰۶.

۹۰. شیعه در اسلام، ص ۴۶.

۹۱. کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۱۶.

مخالف آن نقل نشده باشد، عمل کرده‌اند.^{۹۲}

بنا بر این، در یک نگاه کلی‌تر، به قول آیه الله خویی می‌توان گفت، فساد مذهب معارض با وثاقت راوی نیست.^{۹۳} بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که یکی از موارد کاربرد و طرح این شرط، وجود روایت معارض در این زمینه است؛ یعنی روایتی فقط بدان دلیل که یکی از راویان سلسله اسناد آن از اهل سنت، ضعیف نخواهد بود؛ مگر این که چنین روایتی با روایت دیگری که سند آن تماماً افراد امامی و اثنی عشری باشند، در تعارض قرار گیرد.

۳- ۲- ۱- ۳: شهرت عملی

در باره اعتبار راویان اهل سنت نزد شهید اول نیز می‌توان گفت که هر چند او از فساد مذهب به عنوان یکی از عوامل بی‌اعتباری حدیث یاد می‌کند، نگاهی گذرا به عبارات او در آثار فقهی، نشان از جبران ضعف سند روایت با استناد به شهرت عملی از دیدگاه وی دارد. شهید اول در مقدمه کتاب *ذکری الشیعة* شهرت عملی را پذیرفته و آن را موجب جبران ضعف سند دانسته است.^{۹۴}

بنا بر این، روایت راوی ثقه اهل سنت، در مواردی که یکی از شرایط ذیل را دارا باشد، روایت قابل اعتماد و عمل به آن جایز است: اولاً، روایتی از طریق امامی و نیز عملی از ایشان بر خلاف مضمون روایت نقل نشده باشد؛ ثانیاً، روایت همراه با قراین اطمینان‌آور باشد؛ ثالثاً، روایتی در موافقت مضمون آن در میان روایات امامی یافت شود. در این صورت اگر روای از دروغ پرهیز کند و در حفظ امانت قابل اطمینان باشد، می‌توان به روایات وی عمل کرد؛ هر چند که در اصل اعتقاد راه ناصواب را رفته باشد.

۴. حوزه پذیرش روایات عامه

مراجعه به منابع اهل سنت و نقل روایات از راویان عامی مذهب، به معنای وجود ضعف و اهمال در روایات شیعه نیست، بلکه استناد به احادیث مروی از طریق اهل سنت در فهم بهتر آیات و همچنین روایات شیعه مثمر است.

البته باید اذعان داشت، علمای شیعی در همه مسائل دینی، احکام (واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات) و اعتقادات به راویان اهل سنت عمل نکرده‌اند، بلکه در

۹۲. جایگاه مذهب راوی در تحقیقات رجال شیعه، ش ۷۲، ص ۱۳۱.

۹۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۳۲-۱۳۱.

۹۴. *ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة*، ج ۱، ص ۵۲.

این بین نیز تفکیک قایل شده‌اند؛ همان گونه که علامه حلی در مباحث اصول فقه خود، وجود ایمان و عدالت در راوی را شرط دانسته است، در موضوعات فقهی، آرای متعددی از جمله پذیرش خبر موثق را پی گرفته است. او در کتاب خلاصه الأقوال، شماری از راویان فاسد المذهب را در بخش نخست، یعنی «فیمن اعتمد علیه» ذکر کرده است؛ هر چند که ایشان در مباحث اصولی خود، وجود ایمان را شرط اساسی راوی می‌داند.^{۹۵}

راویان اهل سنت مسائلی مانند: محاجه، مذاکره ائمه با دستگاہ خلافت و احادیثی در شأن و مدح اهل بیت رسول خدا ﷺ را نقل کرده‌اند که می‌توان حتی بدون در نظر گرفتن مذهب و وثاقت آنها احادیثشان را قبول کرد؛ زیرا این‌ها مخالفان امامت ائمه علیهم‌السلام هستند و زمانی که احادیثی در بزرگداشت و تفضیم مقام ایشان نقل می‌کنند، بسیار ارزشمند است؛ به خصوص توسط برخی از اهل سنت همچون علی بن جهم که دشمنی و بغضی که نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام دارند.^{۹۶}

به همین جهت می‌توان چنین برداشت نمود که علمای شیعی بیشتر در مسائل فروع دین، مستحبات و مباحث تفسیری^{۹۷} به راویان اهل سنت مراجعه نموده‌اند. و در موارد اعتقادی و واجبات شرط ایمان را لازم دانسته‌اند؛ زیرا راوی معمولاً در مباحث اعتقادی نظر فرقه و مذهب خود را دخیل می‌کند و در مسائل دیگر رأی و نظر را وارد نمی‌کند.

در مجموع می‌توان گفت که با مراجعه به آثار حدیثی عامه، می‌توان به بخش قابل توجهی از احادیث ائمه علیهم‌السلام دست یافت که برخی از آنها را نمی‌توان در منابع شیعی یافت. همچنین برای تقویت روایات منقول از طریق شیعه، احادیث یکسان و گاه، هم‌مضمون را از منابع روایی عامه نیز گرد آورد. تقویت احادیث شیعی با نقل روایات عامه از دو طریق صورت می‌گیرد: یکی، به وجود آوردن خبر متواتر و مستفیض و آن دیگری، تقویت خبر واحد است.

تعداد راویان عامی در کتب رجالی

در جست‌وجو و بررسی کتب رجالی و روایی شیعی این نکته مسلم است که هیچ‌گاه یک روای تنها به دلیل عامی مذهب بودنش تضعیف نشده است؛ بلکه زمانی که شخصیت رجالی راوی ضعیف باشد، او را تضعیف نموده‌اند؛ به عنوان مثال: شیخ طوسی ذیل «وهب

۹۵. خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۴۵۸.

۹۶. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۳۴.

۹۷. برای مطالعه بیشتر، رک: «کارکردهای نقل روایات اهل سنت در منابع شیعی با تکیه بر روایات تفسیری».

بن وهب» اصطلاح ضعیف را آورده است^{۹۸} و در *رجال الکشی* او کذاب معرفی شده است.^{۹۹} پس همان گونه که بیان گردید صرف عامی مذهب بودن راوی باعث ضعف راوی نمی شود. اما برای ارزیابی و به دست آوردن تعداد راویان عامی مذهب که توثیق شده اند، هفت منبع از منابع مهم عالمان شیعه مورد بررسی قرار گرفته که در مجموع، تعداد راویان ۱۷۳ نفر بودند که با حذف راویان تکراری، نود راوی اهل سنت در این منابع توثیق شده بودند. این راویان عبارت اند از:

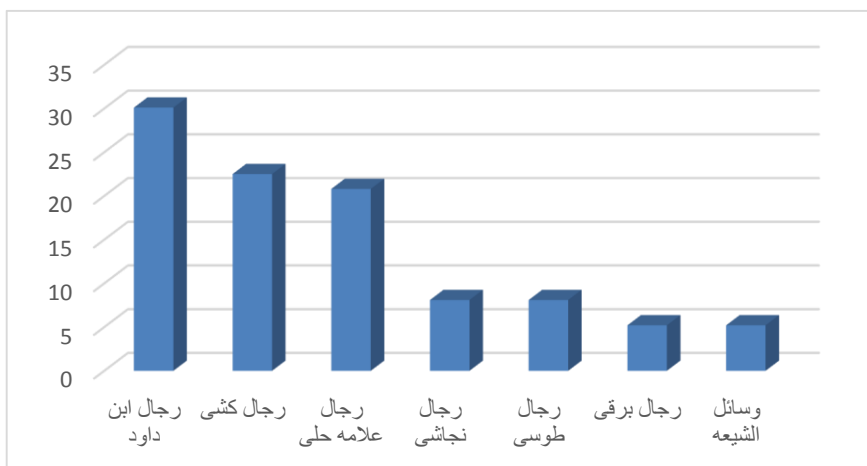
۱. ابراهیم بن رجاء الشیبانی، ۲. ابن ابی زیاد، ۳. أبو الحسن المدائنی، ۴. أبو الزبیر المکی،
۵. أبو الصلت الخراسانی الهروی، ۶. أبو بکر بن عیاش، ۷. ابوقیس الأودی، ۸. أبو محمد بن خلاد، ۹. ابونعیم فضل بن دکین، ۱۰. أحمد بن حرب الزاهد، ۱۱. أحمد بن داود بن سعید الفزاری، ۱۲. أحمد بن عبد الله الأصفهانی، ۱۳. أحمد بن عبد الملك المؤذن، ۱۴. أحمد بن عبید الله الأصفهانی، ۱۵. أحمد بن یونس، ۱۶. إسحاق بن بشیر أبو حذیفة، ۱۷. اسرائیل: ابن یونس السیعی الهمدانی، ۱۸. أصرم بن حوشب البجلی، ۱۹. جارود بن المنذر الکندی،
۲۰. جعفر بن محمد الرازی الخواری، ۲۱. حاتم بن إسماعیل المدنی، ۲۲. الحارث بن الحسن الطحان، ۲۳. حبیب ابن ابی ثابت الکاهلی، ۲۴. حرب بن الحسن الطحان،
۲۵. الحسن بن عمارة، ۲۶. الحسین بن ابی العلاء، ۲۷. الحسین بن علوان الکلبی،
۲۸. حفص بن غیاث بن طلق بن معاویة أبو عمرو القاضی کوفی، ۲۹. حماد بن یزید،
۳۰. خالد بن طهمان أبو العلاء الخفاف السلولی، ۳۱. أبو حاتم الرازی، ۳۲. ربیع بن خثیم،
۳۳. ربیعة بن ابی عبد الرحمن، ۳۴. زافر بن عبد الله الأیادی، ۳۵. زفر بن الهذیل أبو الهذیل،
۳۶. زکریا اللؤلؤی، ۳۷. سالم بن ابی الجعد الأشجعی، ۳۸. الضحاک بن محمد بن شیبان أبو عاصم النبیل الشیبانی، ۳۹. طلحة بن زید أبو الخزرج النهدی الشامی، ۴۰. عباد بن جریح، ۴۱. عباد بن صهیب، ۴۲. عباد بن یعقوب الرواجنی، ۴۳. عبد الأعلى،
۴۴. عبد الرحمن بن زید، ۴۵. عبد الرزاق ابن همام الحمیری، ۴۶. عبد السلام بن صالح،
۴۷. عبد الله البرقی المعروف بالسکری، ۴۸. عبد الله بن ابی الدنیا، ۴۹. عبد الله بن جریح،
۵۰. عبد الله بن محمد بن ابی الدنیا، ۵۱. عبد الملك بن جریح، ۵۲. عبد الواحد بن عمر بن محمد بن ابی هاشم المقرئ، ۵۳. عبد بن محمد النخعی الشافعی، ۵۴. علی بن حکیم الأودی، ۵۵. علی بن مجاهد الکاهلی، ۵۶. علی بن زید، ۵۷. علی بن محمد المدائنی،

۹۸. فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۳۰۳.

۹۹. رجال الکشی، ج ۲، ص ۵۷۹.

۵۸. عمرو بن [خالد] الواسطی، ۵۹. عمرو بن أبی قیس، ۶۰. عمرو بن عثمان، ۶۱. عمرو بن مرزوق، ۶۲. الفضیل بن عیاض، ۶۳. القاضی أبو محمد بن خالد الکرخی، ۶۴. قیس بن أبی حازم، ۶۵. کثیر النواء، ۶۶. الکلبی، ۶۷. لیث بن سعد عالم مصری، ۶۸. محمد بن أحمد النطنزی، ۶۹. محمد بن إسحاق المدني، ۷۰. محمد بن إسحاق خاصف النعل، ۷۱. محمد بن المنکدر، ۷۲. محمد بن جریر أبو جعفر الطبری، ۷۳. محمد بن حمید، ۷۴. محمد بن عبد الرحمن بن عوف، ۷۵. محمد بن میمون أبو نصر الزعفرانی، ۷۶. مسعدة بن صدقة، ۷۷. معلی بن هلال، ۷۸. مقاتل بن سلیمان، ۷۹. مندل بن علی العتري، ۸۰. موسی بن عمیر الهذلی، ۸۱. نهاس بن قهم، ۸۲. هاشم بن القاسم، ۸۳. هانی بن هانی، ۸۴. یاسر بن النصر، ۸۵. یحیی بن آدم، ۸۶. یحیی بن سعید القطان، ۸۷. یحیی بن نعیم، ۸۸. یعقوب بن شبیه، ۸۹. یوسف بن یعقوب، ۹۰. یونس بن عبید.

ردیف	عنوان کتاب	تعداد راویان عامه توثیق شده	درصد فراوانی
۱	رجال ابن داود	۵۲	۳۰/۱
۲	رجال الکشی	۳۹	۲۲/۵
۳	رجال علامه حلی	۳۶	۲۰/۸
۴	رجال النجاشی	۱۴	۸/۱
۵	رجال الطوسی	۱۴	۸/۱
۶	رجال البرقی	۹	۵/۲
۷	وسائل الشیعه	۹	۵/۲
	مجموع راویان	۱۷۳	۱۰۰



نمودار ۱: تعداد راویان عامی توثیق شده مذهب در کتب شیعه

در مجموع می‌توان چنین برداشت نمود که کم نیستند تعداد راویانی که عامی مذهب هستند، اما منقولات آنها مورد قبول علمای ما هستند و این مطلب همان طور که آورده شد، در کتب رجالی و روایی به وضوح قابل مشاهده است. حتی سکوت و تقریر برخی از علما همچون شیخ نجاشی و شیخ طوسی در مورد برخی از راویان دلیل قابل اعتمادی در جهت شناسایی شخصیت روایی این راویان است.

نتیجه

علمای شیعه در راه قبول روایت و خبری که از رسول خدا ﷺ و یا ائمه طاهرين  به آنها می‌رسد، الزام نکردند که حتماً راوی آن حدیث، باید شیعی مذهب بوده باشد، بلکه برای ایشان وثوق به راوی کفایت می‌کند. خواه سنی اشعری باشد و یا معتزلی، و یا در فروع تابع هر مذهبی غیر از مذهب اهل البیت. به علت آن که مناط و معیار خبر صحیح و موثق، نزد شیعه فقط وثوق و اطمینان به صدور آن است. از این لحاظ است اصل از منظر علمای شیعی این است که راوی در مذهب و گفتار خود اهل کذب و دروغ نبوده باشد و مرویاتش را مستنداً با لحاظ امانت در نقل و گفتار بیان نماید. بنا بر این، اگر راویان حدیثی را افراد ضابط و موثق تشکیل دادند، نمی‌توان روایت آنان را به صرف این که برخی از آنان اهل سنت و یا این که گرایش به تشیع ندارند رد نمود؛ زیرا فرض این است که شخص راست‌گوست و راست‌گو در نقل روایت مورد اعتماد است. و شخص راست‌گو نیز نمی‌تواند به دروغ امری را که منجر به تقویت مذهب خویش است بیان دارد.

از میان راویان غیر امامی، راویان اهل سنت بیش از راویان فرق دیگر اسلامی مورد توجه رجالیان و علمای حدیث‌شناس شیعه قرار گرفته‌اند. به احتمال زیاد قدمت طولانی، همراهی و مصاحبت راویان این فرقه با اهل بیت عصمت و طهارت  می‌تواند دلیلی بر این توجه باشد. از طرف دیگر، احادیث صحیح نقل شده از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار  رجوع به مرویات راویان اهل سنت را تقویت و جایز دانسته‌اند.

البته پذیرش روایت‌های اهل سنت طبق قواعد و ضوابط خاص صورت می‌گیرد. قواعدی که اکنون در دست ماست، ابزار مناسبی جهت تشخیص سره از ناسره هستند. در واقع، حاصل عملکرد علمای متقدم و متأخر علم رجال هستند و به حق می‌توان گفت که اینان قواعدی جامع، کامل و در بردارنده قراین محکم سندی و متنی حدیث هستند. از طرف دیگر، این نکته را نیز نباید مورد غفلت قرار داد که طبق عملکرد علمای شیعی در نقل روایت

از اهل سنت باید جانب احتیاط را رعایت نموده و بیشتر در مسائل تفسیری، احکام و فروع دین به ایشان استناد نمود.

سخن آخر، این که استناد به روایت های راویان اهل سنت نه تنها دلالت بر ضعف منابع شیعی ندارد، بلکه حکایت از عدم سوگیری و تعصب بی مورد علمای شیعی در نقل روایت صحیح و موثق دارد. از این رو، نقل روایت از ایشان پیامدهای مثبتی جهت تکمیل، مستند و جامع نمودن منابع اهل تشیع و چه بسا جهان اسلام دارد.

کتابنامه

- الاختصاص، محمد بن محمد مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر العالمي للافیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- اختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۳ش.
- اصول الحدیث و احکامه، جعفر سبحانی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
- اصول حدیث، عبدالهادی فضلی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۲ش.
- أقطاب الدوائر فی تفسیر آية التطهیر، شیخ عبد الحسین، قم: دار القرآن، ۱۴۰۳ق.
- الامالی، محمد بن علی بن بابویه، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ق.
- إیضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، حسن بن یوسف علامه حلی، قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۷ش.
- إیضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، محمد بن حسن حلی، تحقیق: سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی و عبد الرحیم بروجردی، قم: مطبعة العلمیه، ۱۳۸۷ق.
- بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- بحوث فی فقه الرجال، تقریر بحث الفانی، لمکی، قم: عروه الوثقی، ۱۴۱۴ق.
- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، محمد بن حسن صفار، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- تاج العروس، محمد مرتضی زبیدی، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- تاریخ بغداد، أحمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- ترجمه تحریر الوسیله، روح الله خمینی، مترجم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام،

- تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- تعلیقه علی معالم الاصول، علی الموسوی القزوینی، تحقیق: علی علوی قزوینی قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- تقریب التهذیب، شهاب الدین بن حجر عسقلانی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
- التوحید، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
- توضیح المقال فی علم الرجال، علی کنی، تحقیق: محمد حسین مولوی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۷۹ ش.
- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بحرانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- حقائق الإیمان، شهید ثانی زید بن علی، تحقیق: مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
- خاتمة المستدرک، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ ق.
- خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- دراسات فی علم الدراية، علی اکبر غفاری، تهران: جامعه الإمام الصادق علیه السلام، ۱۳۶۹ ش.
- دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۳ ق.
- ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، محمد بن جمال الدین مکی عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹ ق.
- رجال البرقی احمد بن محمد برقی، تحقیق: محمد بن حسن طوسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ ش.
- رجال العلامة الحلّی، حسن بن یوسف علامه حلّی، نجف: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵ ش.

- الرجال، حسن بن علی بن داود حلی، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- الرسائل التسع، جعفر بن حسن حلی، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.
- الرعاية فی علم الدراية، شهید ثانی زید بن علی، تحقیق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
- الرواشح السماویة، محمد باقر بن محمد میرداماد، تحقیق: غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت الله جلیلی، قم: دارالحدیث، ۱۴۱۰ق.
- الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شهید ثانی زید بن علی، تحقیق: سید محمد کلانتر، نجف: منشورات جامعة النجف الدینیة، ۱۳۹۸ق.
- زبدة الأصول، محمد بن حسین بهایی عاملی، تحقیق: فارس حسون کریم، بی‌جا: مرصاد، ۱۴۲۳ق.
- السرائر، محمد بن احمد بن ادريس، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- شرح أصول الكافي، محمد صالح مازندرانی، به همراه تعلیقه‌های میرزا ابوالحسن شعرانی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- شيعه در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ق،
- العدة فی أصول الفقه، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه، مترجم: محمد تقی آقا نجفی اصفهانی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، بی‌تا.
- الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، حسن بن یوسف علامه حلی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲ش.
- الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، عبدالحسین شبستری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- الفصول المهمة فی اصول الأئمة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: محمد بن محمد الحسین القائینی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
- فوائد الرجالية من تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۸ق.
- فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسی، قم: ستاره، ۱۴۲۰ش.

- قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۳ ق.
- قوانین الأصول، ابوالقاسم قمی، چاپ سنگی.
- قوانین الأصول، میرزا ابوالقاسم محمد بن حسن قمی، تهران: کتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- کتاب الطهارة، روح الله خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۷ ش.
- کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، حسن بن یوسف علامه حلی، تحقیق: ابراهیم موسوی زنجانی، قم: شکوری، ۱۳۷۳ ش.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
- مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، حسن بن یوسف علامه حلی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- المراجعات، عبدالحسین شرف الدین عاملی، تهران: انتشارات غدیر، ۱۳۶۵ ش.
- مستدرکات علم رجال الحدیث، علی نمازی شاهرودی، تهران: شفق، ۱۴۱۲ ق.
- مستند الشیعة فی أحكام الشریعه، احمد بن محمد مهدی نراقی، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۵ ق.
- معالم الدین و ملاذ المجتهدین، محمد بن حسن طوسی، حسن بن زید الدین عاملی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- معانی الاخبار، محمد بن علی بن بابویه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
- المعتبر، جعفر بن حسن حلی، قم: مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۴ ش.
- المعجم الاوسط، سلیمان بن احمد طبرانی، بی جا: دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
- معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خویی، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
- مقباس الهدایة فی علم الدرایة، عبدالله مامقانی، تحقیق: محمد رضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۱ ق.
- مناهل العرفان، محمد عبد العظیم زرقانی، مترجم: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
- منتقى الجمال فی احادیث الصحاح والحسان در حدیث، حسن بن زید الدین عاملی، قم:

- مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۶۲ ش.
- منتهی المقال، علی قرنی گلپایگانی، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۷ ش.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش
- وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- وقعة صفین، نصر بن مزاحم منقری، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
- «جایگاه مذهب راوی در توثیقات رجالی شیعه»، مریم قبادی، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۱۳۸۱، ۷۲ ش.
- «کارکردهای نقل روایات اهل سنت در منابع شیعی با تکیه بر روایات تفسیری»، حمید باقری، محمد کاظم رحمان ستایش، مجله علوم حدیث، سال سیزدهم، ش ۳۴.
- «ملاک‌های قدما در ارزیابی و نقد حدیث در آیینۀ فهرست‌های رجالی»، روح الله شهیدی، حدیث اندیشه، شماره ۳.